گزارشی از مراکز غیرمجازی که با نام خوابگاه شاغلان در مشهد ایجاد شده‌اند

خواب آشفته در خوابگاه دختران



گزارش روز



الهام مهدیزاده
خبرنگار

«ساختمانی بزرگ و چند طبقه با تعداد زیادی از پنجره که رو به خیابان باز می‌شود، تابلوی بزرگ آبی رنگی سردر ساختمان جا خوش کرده است. به محض ورود به ساختمان، بوی غذاهای متفاوت (از نیمرو تا کنسرو) تمام شامه را پر می‌کند. کنار دیوار ورودی، یک جا کفشی بزرگ با تعداد زیادی قفسه قرار گرفته است و...». به محض رسیدن به کوچه یک متری، همه این تصوراتی که برای یک خوابگاه در ذهن نقش بسته است، از خیالمان می‌پرد. انتهای کوچه، در کوچک رنگ و رورفته‌ای قرار دارد. خبری از نما و وسعت ساختمان نیست. زنگ در ورودی همخوانی عجیبی با ظاهر قدیمی در دارد؛ یک دکمه و بس. به محض زدن زنگ، در ساختمان باز می‌شود: «ببخشید کسی هست؟». از لای در نیمه باز، راهرویی دیده می‌شود؛ راهرویی که اندک روشنایی بی‌فروغش، مدیون لامپ آویزان کم مصرف میانه راهروست. صدای خانمی به گوش می‌رسد: «بیا تو...».

۱

یکی از بانوانی که چند ماه در خوابگاه شاغلان بوده، همراه ماست تا روایتگر وضعیت این خوابگاه‌ها باشد. می‌گوید اصالتا اهل خوزستان است و بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه، تصمیم گرفته است به دلیل تسلطش به زبان عربی در حوزه گردشگری سلامت در مشهد به حرفه مترجمی بپردازد. همراه سارا (نام مستعار است) به دو خوابگاه شاغلان در محدوده احمدآباد سری می‌زنیم.

مقصد اول، خیابان پرستار است. «تا حالا این خوابگاه‌ها را دیده اید؟». بدون آنکه منتظر پاسخی بماند، حرفش را ادامه می‌دهد: چیزهایی که امروز می‌بینید و من برای شما خواهم گفت، آن روی خوابگاه‌هایی است که با آگهی‌های مختلف در سایت‌های مجازی، مشتریانی برای خود جذب می‌کنند. هرکار خلافی که فکرش را بکنید، از بسته بندی مواد تا... در آن‌ها انجام می‌شود». با دست به دو کلینیک بزرگ خیابان پرستار اشاره می‌کند که حدفاصل این دو کلینیک چند طبقه و بزرگ، یک کوچه یک متری قرار گرفته است. انتهای کوچه یک متری در کوچکی قرار دارد: «خوابگاه دختران همان جاست».

سارا قبل از رسیدن به خوابگاه، چند جمله دیگر به توضیحاتش اضافه می‌کند: «باورتان می‌شود که برخی از این خوابگاه‌ها آن قدر مشتری دارند که تعدادی از دختران مجبورند تا خالی شدن تخت در راهرو بخوابند؟». با زدن زنگ بدون هیچ سؤال و جوابی در باز می‌شود: «ببخشید کسی هست؟». از لای در نیمه باز، راهرویی دیده می‌شود؛ راهرویی که اندک روشنایی بی‌فروغش، مدیون یک لامپ آویزان کم مصرف است. صدای خانمی به گوش می‌رسد: «بیا تو...» انتهای راهرو باریک، دو اتاق و یک جاکفشی بزرگ، جاخوش کرده است. خانمی به گوشه چهارچوب در یکی از اتاق‌ها تکیه داده است:

امرتان؟

- برای اجاره تخت آمده‌ام.

شاغلی یا دانشجو؟

- شاغل.

همان طور که به گوشه چهارچوب در تکیه داده است، با دستش به در اتاق کناری اشاره می‌کند: «تخت‌های عمومی ما اینجاست. اجاره هر تخت، یک میلیون و ۶۵۰ هزار تومان».

داخل اتاقی که او با دستش نشان داده است، چندین ردیف تخت دوطبقه قرار دارد. تخت‌ها چنان به هم نزدیک است که امکان تردد به سختی است. نور اتاق نیز اندک است. چند دختر حدودا بیست و پنج ساله کنار تختی ایستاده‌اند و با هم صحبت می‌کنند. برآورد چشمی که از اتاق می‌توان داشت، حدودا هجده متر است. روی برخی تخت‌ها لباس، کیف لوازم آرایشی، کفش و... ریخته شده است.

- چقدر شلوغ است؟ چند نفر داخل اتاق هستند؟

با نگاهی تعجب برانگیز می‌گوید:

مگر دفعه اولت است که به خوابگاه می‌آیی؟

با سکوت و نگاهمان، حرفش را ادامه می‌دهد: البته تخت وی آی پی هم داریم، اما پر است. همین تخت‌های عمومی هم تا آخر ماه پر است و تخت خالی نداریم. باید صبر کنید تا تختی خالی شود. سراغ سرویس بهداشتی و حمام را می‌گیریم. مسئول خوابگاه به حیاطی که در ورودی اش کنار جاکفشی است، اشاره می‌کند. گوشه‌ای از حیاط، زیرزمین است. به‌گفته خانم مسئول خوابگاه، حمام در همان زیرزمین قرار دارد. بالای زیرزمین نیز دو اتاق دیگر به چشم می‌خورد. مسئول خوابگاه از این اتاق‌ها به عنوان اتاق‌های وی آی پی یاد می‌کند. از زیرزمین بویی شبیه برگ‌های سوخته که با نم زیرزمین آمیخته باشد، به مشام می‌رسد. خانم مسئول خوابگاه چند قدم عقب‌تر ایستاده است.

- این بوی چیست؟

بدون تأمل می‌گوید: بوی نا و رطوبت. قبل خروج، از مسئول خوابگاه قواعد آنجا را می‌پرسیم: اینجا همان طور که دیدید، یک حمام و یک سرویس دارد. الان گفتم که بعدا گلایه نکنید. شما فقط تخت را اجاره می‌کنید. وسایل قیمتی با خودتان نیاورید. اگر گم شد، مسئولیتش با خود شماست.

- مگر کمد ندارید؟

کمد نه؛ یک فایل به شما می‌دهیم.

فایلی که او اشاره می‌کند، شبیه فایل‌های فلزی جاکفشی مساجد است. حدود پانزده فایل فلزی با تعدادی در کوچک که قابلیت قفل شدن، دارد.

از قرارداد می‌پرسم: قراردادی نداریم؛ هر ماه که پول بدهید، همان ماه می‌توانید از تخت استفاده کنید.

- مجوز دارید؟

یک مکث کوتاه می‌کند و می‌گوید:

از امور خوابگاه‌ها.

- کجاست؟

مجوز را سردر اتاق نمی‌زنند؛ هر زمان خواستید و قرار شد بیایید، مجوز را نشانتان می‌دهم.

> متأسفانه تعدادی از این دختران از خانه فراری هستند؛ به همین دلیل سرقت و اتفاقات عجیب و غریب زیاد رخ می‌دهد؛ مثلا من متوجه شدم یکی از دخترها ایدز دارد، یا متوجه شدم داخل یکی از اتاق‌ها گُل بسته بندی می‌کنند

> با هیچ کدام از دخترها قرارداد نمی‌بندد، بنابراین هر زمان با هرکدام این دخترها مشکل پیدا کند، او را از خوابگاه اخراج می‌کند. قراردادی هم وجود ندارد که فرد شکایت کند

> متأسفانه این خوابگاه‌ها، آسیب‌های اجتماعی بسیاری دارند. بدترین نکته نیز آن است که این افراد در سایت‌های مجازی اقدام به ثبت آگهی برای خوابگاه می‌کنند، درحالی که اصلا مجوزی ندارند

گردن‌گیری نیست

۲

مقصد دوم، خوابگاهی در محدوده خیابان احمدآباد است؛ کوچه‌ای یک طرفه با تعداد زیادی تابلوی راهنمایی و رانندگی که مسیر رفت و آمد به کوچه را محدود کرده است.

سارا می‌گوید مدتی قبل در این خوابگاه اقامت داشته اما به دلایلی ترجیح داده است از خوابگاه خارج شود. برای گفتن توضیحات و دلایلش، مقدمه چینی می‌کند: الان که برویم، خودتان متوجه وضعیت می‌شوید. چطوری بگویم؟ یک فضای مسموم. هر اتفاقی که فکرش را بکنید، در این خوابگاه رخ می‌دهد. از دزدی تا... مثل خوابگاه قبلی که رفتیم، اینجا هم فقط یک تخت دومتری دارید و بس. در همان تخت باید زندگی کنی و همه لوازم و داشته هایت را در همان تخت دومتری جا بدهی؛ به همین دلیل دزدی زیاد است. چندبار در خوابگاه، گوشی من را دزدیدند. به هرکسی که گفتم، گردن نگرفت. حتی یک بار گوشی را به شارژ زدم و به دخترکنار تختم گفتم حواسش باشد تا بروم نان بخرم. وقتی برگشتم، نه دختر بود نه گوشی. وقتی آمد، از او پرسیدم گوشی من کجاست. این طور جوابم را داد که چند دقیقه کوتاه، به سرویس بهداشتی رفته و وقتی برگشته، خبری از گوشی نبوده است. تازه این‌ها خوب ماجراست.

این جمله سارا، گوش و ذهن را آماده شنیدن جملات سنگین می‌کند: متأسفانه تعدادی از این دختران از خانه فراری هستند؛ به همین دلیل سرقت و اتفاقات عجیب و غریب زیاد رخ می‌دهد؛ مثلا من متوجه شدم یکی از دخترها ایدز دارد، یا متوجه شدم داخل یکی از اتاق‌ها گُل بسته بندی می‌کنند.

- گُل؟

بله؛ گُل. باور نمی‌کنید؟ تعدادی از دخترها برای داشتن درآمد بیشتر حاضرند در این کار و بسته بندی مشارکت کنند؛ البته نه همه، اما هستند افرادی که این کار را می‌کنند.

یکی دیگر از مسائلی که چندبار به آن اعتراض کردم، موضوع حضور آقایان در داخل خوابگاه است. با وجود آنکه نباید آقایان وارد خوابگاه شوند، گاه و بی‌گاه و به بهانه‌های مختلف وارد خوابگاه می‌شوند. هربار که اعتراض کردم، مسئول خوابگاه گفت:

«این قدر سخت است که برای چند دقیقه حجاب بپوشید؟».

اما ماجرا فقط حجاب پوشیدن و بازدید از خوابگاه نیست؛

متأسفانه در اغلب مواقع خانمی که مسئول خوابگاه است، با این آقایان همکاری می‌کند و این همان قسمت بد ماجراست.

چطور بگویم؟ متوجه شدید؟

تا جایی که من می‌دانم، این آقا چند خوابگاه در مشهد دارد؛ خوابگاه‌هایی که هیچ‌کدام مجوز ندارند. از طرف دیگر با هیچ‌کدام از دخترها قرارداد نمی‌بندد، بنابراین هر زمان با هرکدام این دخترها مشکل پیدا کند، او را از خوابگاه اخراج می‌کند. قراردادی هم وجود ندارد که فرد شکایت کند. یک روز وسایل من را پرت کرد بیرون و گفت حق نداری بیایی. هنوز نصف وسایلم داخل است اما کارت و کلید در ورودی را دارم.

با همین توضیحات به خوابگاه می‌رسیم. با همان کارت و کلید، وارد خوابگاه می‌شود.

ظاهر خوابگاه شبیه یکی از ساختمان‌های مسکونی چندطبقه شهر است، بدون هیچ تفاوت خاص. سارا قبل از ورود به ساختمان توضیحاتی درباره وضعیت خوابگاه می‌دهد: تقریبا هرطبقه سی تا دخترخانم هستند با یک حمام و سرویس بهداشتی و یک گاز چندشعله رومیزی. طبقه اول، شرایطش بهتر است اما طبقات بالا آب ندارد و من نمی‌دانم خانم‌ها واقعا چطور سر می‌کنند؟ از تمیزی هم خبری نیست؛ چون خود دخترها باید دست به‌کار شوند.

آنچه در طبقه اول می‌بینیم، با توضیحاتش همخوانی دارد. نظافتی وجود ندارد. روی دیوارهای دودگرفته و چرکین، برگه‌هایی رنگ و رورفته با این متن زده‌اند: «استعمال دخانیات داخل اتاق‌ها ممنوع!».

مسئول خوابگاه‌ها با دیدن او شاکی می‌شود:

«حق نداری وارد خوابگاه شوی! آقای(...) به من گفته‌اند که اجازه ندهم وارد شوی. باقی مانده وسایلت را جمع کن و برو...».

سارا با صدایی بلند و خطاب به دخترهای ساختمان می‌گوید: خبر دارید اینجا هیچ مجوزی ندارد؟ خبر دارید بعضی شب‌ها آقای(...) وارد خوابگاه می‌شود، درحالی که نباید به هیچ عنوان وارد شود؟

این خوابگاه‌ها کجاست؟

۳

می‌پرسد: «این خوابگاه‌هایی که به آن اشاره می‌کنید، کجاست؟». این ابتدای گفت‌وگوی ما با یوسف بیدخوری، معاون گردشگری اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی، است. آدرس و محدوده خوابگاه‌های شاغلان را از ما می‌پرسد. با شنیدن آدرس تقریبی چند خوابگاه، توضیحاتی این‌گونه می‌دهد: درگذشته خوابگاه‌ها به عنوان پانسیون دانشجویی مطرح بود. در همان برهه اتحادیه هتل آپارتمان‌ها برای این پانسیون‌ها مجوز صادر می‌کرد. در ادامه، دانشگاه‌ها به این موضوع ورود پیدا کردند. نکته‌ای که دانشگاه‌ها مطرح کردند، این بود که برای پذیرش در این خوابگاه‌ها، دانشجویان باید اطلاعات فردی به خوابگاه بدهند، این درحالی است که اطلاعات دانشجویان نباید در اختیار سایر بخش‌ها قرار بگیرد. با این توضیحات، قرار شد مجوز خوابگاه‌ها را خود دانشگاه صادر کند.

نکته دیگری که بیدخوری به آن اشاره می‌کند، وضعیت و ظرفیت هتل آپارتمان‌های فعال در شهر مشهد است. تأکید او بر آمارهای ضریب اشغال هتل آپارتمان‌ها، مسافرخانه‌ها و... است. آماری بیش از این نیز بارها به رسانه‌ها ارائه شده است: «به صورت متوسط ۶۰ تا ۶۵ درصد هتل آپارتمان‌ها، مهمان پذیرها و خانه‌های مسافر و واحدهای اقامتی مشهد اشغال است، بنابراین ظرفیت خالی برای پذیرش و اقامت شاغلان در این واحدها وجود دارد».

درباره مجوز داشتن یا نداشتن این خوابگاه‌ها، بیدخوری صریح و قاطع پاسخ می‌دهد: ما به هیچ عنوان در مشهد خوابگاهی به نام خوابگاه شاغلان نداریم، بنابراین هر نوع خوابگاهی که با این نام در مشهد فعالیت می‌کند، مجوزی ندارد. طبیعی است که بر حوزه‌ای که برایش مجوز صادر نکرده‌ایم، نظارت نیز نداشته باشیم.

دغدغه اول ما، خوابگاه‌های غیرمجاز است

۴

«به شدت از پیگیری وضعیت این خوابگاه‌های غیرمجاز استقبال می‌کنیم». خانم غلامیان، کارشناس خوابگاه‌های دانشجویی غیردولتی مشهد، با این جمله تأکیدش را برای پیگیری درباره وضعیت خوابگاه‌های غیرمجاز مطرح می‌کند. او می‌گوید: فهرست خوابگاه‌های مجوزدار ما مشخص است و غیردانشجو پذیرش نمی‌کند.

وی در ادامه، این خوابگاه‌های غیرمجاز را «باری به هرجهت» می‌داند و می‌گوید: اگر خوابگاهی در مشهد مجوز ندارد، قطعا فردی که برای فعالیت آن درخواست داده، صلاحیت لازم را نداشته است. در مواقعی نیز مکانی که فرد برای خوابگاه درنظر گرفته، شرایط لازم را نداشته است. در تمام این موارد، اگر افراد نتوانند صلاحیت لازم را کسب کنند، به آن‌ها مجوز داده نمی‌شود. کارشناس خوابگاه‌های دانشجویی غیردولتی مشهد اشاره‌ای هم به سابقه برخوردها با خوابگاه‌های غیرمجاز می‌کند: سال ۱۳۹۴ به بعد بود که شورای نظارت در حوزه خوابگاه‌های دانشجویی تشکیل شد. در ادامه، تمام خوابگاه‌ها زیرنظر این شورا قرار گرفت. با این شرایط بود که تعداد زیادی از خوابگاه‌های غیرمجاز بسته شد. غلامیان می‌افزاید: نکته مورد تأکید این بود که خوابگاه‌ها فقط دانشجو پذیرش کنند؛ البته به این موضوع توجه شد که ۱۰ درصد ظرفیت خوابگاه به دانشجویان فارغ‌التحصیلی که در حال انجام امور فارغ‌التحصیلی خود هستند، سپرده شود. همچنین در تابستان افراد شاغل را پذیرش کنند. او می‌گوید: با این شرایط، افرادی که نتوانستند مجوز بگیرند، خوابگاه غیرمجاز دایر کردند. متأسفانه این خوابگاه‌ها، آسیب‌های اجتماعی بسیاری دارند. بدترین نکته نیز آن است که این افراد در سایت‌های مجازی اقدام به ثبت آگهی برای خوابگاه می‌کنند، درحالی که اصلا مجوزی ندارند. غلامیان به چالش‌ها نیز اشاره می‌کند: فعالیت این خوابگاه‌ها، کار خوابگاه‌های مجاز را به حاشیه برده است. سرمایه‌گذاری که می‌خواهد وارد این حوزه شود، باید مراحل متعددی را سپری کند، درحالی که این افراد با گرفتن یک واحد مسکونی و بدون هیچ نظارتی، اقدام به جذب افراد می‌کنند.

او معتقد است که خوابگاه شاغلان در مشهد، معنا و مفهومی ندارد. دلایل او ظرفیت اقامتی این شهر است: وقتی مشهد این همه مهمانسرا دارد، چرا باید این اقدام و موازی‌کاری انجام شود؟ در این راستا یکی از مهمانسراها می‌تواند به عنوان خوابگاهی برای بانوان شاغل درنظر گرفته شود. با این شرایط، نظارت نیز به راحتی انجام می‌شود. کارشناس خوابگاه‌های دانشجویی غیردولتی مشهد می‌افزاید: من بسیار دنبال این ماجرا بودم اما هنوز نتوانسته‌ام گره ماجرا را بازکنم. متأسفانه یکی از این افرادی که خوابگاه غیرمجاز برپا کرده، فردی است که در خیابان ۱۷ شهریور آجیل فروشی و شیرینی فروشی دارد و هرگز کار فرهنگی نکرده است. حرف آخر غلامیان این است: برای رسیدگی به این خوابگاه‌های غیرمجاز، باید همه متولیان امر ورود کنند.

شهرآرا پیگیری می‌کند

اگرچه فعالیت این خوابگاه‌ها را کسی گردن نمی‌گیرد، با این حال ما در روزنامه شهرآرا همچنان پیگیر این ماجرا خواهیم بود.



عکس‌ها تزیینی است